

## نقش وهابی ها و سعودی ها در ایجاد گروههای تروریستی و ورود اشغالگران به افغانستان و عراق

از میان انواع کشورهای عجیب و غریبی که دنیای امروز را پر کرده اند هیچکدام شبیه عربستان سعودی نیست...



از میان انواع کشورهای عجیب و غریبی که دنیای امروز را پر کرده اند هیچکدام شبیه عربستان سعودی نیست. عربستان تنها کشور جهان است که نامش را از یک خاندان گرفته است- یعنی خاندان ابن سعود که از قرن هجدهم تاکنون بر این کشور حکومت می کند. در دنیای ایدئولوژی های رقیب، عربستان تنها کشوری است که غیر از مذهب مورد نظر خود، یعنی اسلام اهل سنت، همه مذاهب دیگر را کفر می پندارد. در مورد قانون اساسی هم اگر از سعودی ها سؤال کنید، می گویند قانون اساسی ما قرآن است که خداوند خود آن را به ما اعطاء کرده است.

ناظران بیرونی و حتی منتقدان احتمالاً با این نکته موافق خواهند بود که عربستان سعودی ظاهراً تاکنون نمونه ای از یک ناپهنجاری موفق بوده است. این کشور در منطقه ای از جهان که زمینه مناسبی برای بروز کشمکش ها دارد توانسته است در برابر سیل بی ثبات کننده ثروت بی حد و حصر و چالش ایدئولوژی های گوناگون بکر و دست نخورده به حیات خود ادامه دهد.

خانواده سلطنتی سعودی 40000 عضو دارد که از این میان 4200 نفر از آنان شاهزاده هستند ، مبلغی حدود ۴۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد دلار در موسسات مالی آمریکا ذخیره مالی دارند( این رقم در سال 1996 اعلام شد). سفارت آمریکا در ریاض این مبلغ را در سال ۱۹۹۸ ، ۵۰۰ میلیارد دلار اعلام داشته است. قابل توجه این که علی رغم این ذخیره ارزی بزرگ، خاندان سعودی در آمریکا، درآمد سالانه دولت عربستان حدود 120 میلیارد دلار از فروش نفت می باشد که با این وجود حدود ۳۰۰ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد .

قابل ذکر است که در عربستان اگر پیشرفتی هست ، اگر می بینید ساختمان های این کشور از جمله گرانتترین و مدرن ترین و زیباترین ساختمان های دنیا است نه از ذکاوت و هوش سعودی هاست بلکه فقط و فقط به میمنت دلارهای نفتی است که این کشور به جیب خود و شاهزادگان سعودی واریز می کند . با تمام همه این دلارها و ثروت ها هنوز این کشور دارای افکاری متعجرانه و مستبدانه است که بر خاندان سعودی سطره گسترانیده است .

خاندان سعودی همه پایداری و دوام عمر خود را مدیون دلارهای نفتی و علمای وهابی هستند .

حکومت قبیله ای و استبدادی عربستان سعودی مخالفان را در داخل کشور محدود نگه داشته و اجازه ی فعالیت سیاسی به آنها نمی دهد. این محدودیت و فشار باعث انباشت خشم و کینه ی سیاسی مردم می گردد. رژیم عربستان ، اما در صدور خشم و کینه ی مخالفین خود به جهان غرب بسیار گشاده دستی کرده و آن را متوجه غرب و منافع آنها می کند. به طور ذهنی و نظری مردم عربستان در تله ی قرون وسطایی حکومت گیر کرده اند. نهادهای اجتماعی این جامعه بسیار عقب مانده و سنتی است ، و توان حل مسائل و نیازمندی های مردم در قرن ۲۱ را ندارد. بنا براین بغض ناشی از فشار و تحقیر حکومت عربستان سعودی علیه مردم به خارج از جامعه کانالیزه می شود. این بغض که نفس مردم ، به ویژه جوانان را می گیرد، در غرب به شکل عملیات تروریستی می ترکد. به طور خلاصه ، آن چه به شکل عملیات تروریستی علیه خارجی ها رخ می دهد، از بطن مناسبات سیاسی و اجتماعی جامعه ی عربستان سعودی ریشه می گیرد.

حکومت عربستان سعودی هزینه ی ایجاد هزاران مدارس دینی در کشورهای مختلف چه اسلامی و غیر اسلامی در سراسر جهان را تقبل کرد تا در رقابت با مذاهب دیگر، تفسیر ویژه ی خود را از اسلام گسترش دهد. با این عمل ، عربستان سعودی به دنبال گسترش حوزه ی جغرافیایی و انسانی و نفوذ سیاسی خود بوده است. سعودی ها در تمام سطوح زنجیره ی ترور از برنامه ریزی تا تامین مالی ، از کادر نظامی تا سربازان عادی ، از ایدئولوژیست تا مشوقین فعال هستند."

افلاطون می گوید :انسان نیازمند راهنمای مناسب و فطرت نیکوست ، در این صورت در میان همه موجودات به فرهیخته ترین و ملوکوتی ترین موجود تبدیل می شود . اما در صورت آموزش نادرست به وحشی ترین موجودات زمینی بدل خواهد شد. بیشتر از يك سوم برنامه های آموزشی مدارس دولتی در عربستان سعودی به تعالیم وهابی گری اختصاص دارد. بخشی از متون درسی مدارس سعودی پس از ۱۱ سپتامبر در رسانه های آمریکا نقل شد که جنجال های زیادی را برانگیخت . مثلاً يك کتاب درسی به دانش آموزان کلاس ۹ این را القا می کند که روز داوری فرا نمی رسد مگر آن که مسلمانان با یهودیان جنگیده و آنها را بکشند. در حالی که در متن دیگر آمده: بر مسلمانان واجب است تا کافران ( از نظر وهابی ها کافر به مسیحیان ، یهودیان ، صوفی ها و شیعیان و سنی هایی که افکار تندروانه آنها را قبول ندارند اطلاق می شود ) را دشمنان خود بشمارند. حکومت سعودی که به دنبال این افشاگری ها آشفته و سردرگم بود، مدعی شد که بررسی و بازنگری برنامه های آموزشی مدارس کشور را در دستور کار قرار داده است و وعده داد که تمامی چنین متونی از کتاب های درسی حذف خواهند شد. با این وجود، سال گذشته فریدام هوز (Freedom House ) گزارش جامعی درباره برنامه های آموزشی جدیدعربستان منتشر کرد و در خاتمه چنین نتیجه گیری کرد که: « اشاعه و تبلیغ ایدئولوژی نفرت و دشمنی نسبت به مذاهب و آئین های دیگر شامل مسیحیان، یهودیان، شیعیان، هندوها، صوفی ها و مسلمانان سنی که از آموزه ها و تعالیم وهابیت پیروی نمی کنند و بی ایمان و کافر تلقی می شوند، همچنان ادامه دارد.» بعضی از تحلیلگران ارتباط میان تعالیم وهابیت و اقدامات وهابیون را رد می کنند، زیرا معتقدند صرف اعتقاد به آئین و مرامی بشدت محافظه کار و مخالف با تکثرگرایی لزوماً از کسی، يك انسان بی رحم نمی سازد. اما این دیدگاه و استدلال کاملاً بی پایه و اساس است زیرا اگر تنها يك درصد از ۵ میلیون دانش آموز سعودی تحت تأثیر تعالیم وهابی، به خشونت متوسل شوند، در این صورت ۵۰ هزار نیروی جنگجو پدید می آید. تعجبی ندارد که خود بن لادن هم در پیام صوتی آوریل ۲۰۰۶ دخالت خارجی ها در برنامه های آموزشی مدارس سعودی را محکوم کرد. علاوه بر این، روحانیون وهابی در عربستان سعودی که از به اصطلاح جهاد علیه دشمنان اسلام در خارج از کشور دفاع می کنند، از این تعالیم پشتیبانی می کنند. مخصوصاً تحریک به خشونت بر ضد شیعیان رایج و متداول است تا جایی که در دسامبر سال ۲۰۰۶ يك روحانی عالیرتبه نزدیک به خانواده سعودی به نام عبدالرحمن البراک شیعیان را به عنوان فرقه ضاله حتی خطرناکتر از یهودیان و مسیحیان محکوم کرد. در نوامبر سال ۲۰۰۴ ، ۲۶ روحانی وهابی که بیشتر آنها واعظان و سخنرانان مطالعات اسلامی در دانشگاه های مختلف کشور بودند و از حمایت مالی حکومت سعودی برخوردارند، فتوای جنگ بر ضد نیروهای آمریکایی در عراق را صادر کردند. دو مقام سعودی در مصاحبه ای با رسانه های غربی این فتوا را محکوم کردند اما در مورد باز پس گیری فتوا مطلبی در رسانه های محلی به عربی منتشر نشد. چند ماه بعد، يك گروه مخالف با دولت سعودی نوار ویدئویی را منتشر کرد. صالح بن محمد اللحدیدان ریاست شورای عالی قضایی عربستان سعودی در نوار ویدئویی به جوانان سعودی حاضر در مسجدی دولتی توصیه می کند که چطور به داخل خاک

عراق رخنه کنند و با نیروهای ایالات متحده بجنگند، همچنین به آنها اطمینان می دهد که نیروهای امنیتی سعودی پس از بازگشت به کشور، آنها را مجازات نخواهد کرد. هرچند لحدان آشکارا اظهارات خود را پس گرفت اما نوارهای ویدئویی روحانیون برجسته سعودی که مردم را به برپا کردن جنگ و شورش مقدس در عراق و نقاط دیگر تشویق می کنند، همچنان دست به دست می چرخد.

اشغالگران می گویند تا وقتی که تروریست ها در افغانستان و عراق فعالیت می کنند ما از این کشورها خارج نخواهیم شد. تروریستها ( وهابی ها و تکفیرها ) هم می گویند تا وقتی که اشغالگران در افغانستان و عراق هستند ما به جهاد ( بخوانید مسلمان کشی ) خود در برابر اشغالگران ادامه خواهیم داد ( عجب اینکه دائما این جهاد بر علیه ساکنین است نه اشغالگران نمونه بارز آن را در قتل عام های روزانه عراق و افغانستان می بینیم ) در خبرها آمده بود جوانی که خود را آماده یک عملیات انتحاری برای قتل عام دهها مسلمان افغانی آماده می کرد در اثر کشمکش با مادر و خانواده خود به علت مخالفت آنها باعث شد ، بمب در خانه منفجر و مادر و خواهران وی در این انفجار کشته شوند. این جوان 23 ساله قبل از عملیات مبلغ 135000 دلار به خانواده خود به عنوان هدیه داده بود .

فرد 25 ساله دیگری نیز هنگام خارج نمودن لباس انفجاری خود بر اثر انفجار کشته شد .

فرد مذکور در ایالت ننگرهار هنگامی که قصد داشت خود را در میان نمازگزاران مسلمان در مسجدی منفجر کند از اقدام خود پشیمان شد . وی که در محاصره نیروهای نظامی منطقه قرار داشت با ابراز ندامت اعلام نمود ، هنگامی که نمازگزاران را در حال نماز دیدم از عمل خود پشیمان شدم و در حالیکه قصد خارج نمودن لباس انفجاری خود را داشت ناگهان منفجر شد در این انفجار تنها فرد مذکور کشته شد .

از زمان واقعه 11 سپتامبر سال 2001 پوشش اخبار مربوط به «بمب گذاری های انتحاری» روند رو به افزایش داشته است. کارشناسان و دست اندرکاران خبری ما را به این اعتقاد رساندند که بمب گذاری های انتحاری، یکی از سلاح های مورد توجه شورشیان علیه نیروهای اشغالگر است. چرا که آنها با بهره گیری از این شیوه، می توانند با هزینه اندک و به آسانی، هرج ومرج ایجاد کنند. کمتر روزی است که رسانه ها حداقل یک بمب گذاری از این نوع را که توسط شورشیان عراقی و یا افغانی ( وهابی ها و تکفیری ها ) صورت می گیرد، از این کشورها گزارش نکنند. بهره گیری شورشیان از شیوه بمب گذاری انتحاری علیه نیروهای اشغالگر، یک چیز است و بهره گیری آنها از این شیوه برای کشتار غیرنظامیان، چیز کاملا متفاوتی است. اکنون رسانه ها ما را طوری شستشوی مغزی داده اند که باور می کنیم شورشیان در عراق، تندروهای حیوان صفت، غیرمتمدن، دیوانه و متعصب هستند که حتی با کشتار هموطنان خود، به جنگ با «آزادبخوایی» می روند!

در واکنش به بمب گذاری های به اصطلاح «انتحاری» پر تلفات در موصل، که به مرگ 350 غیر نظامی انجامید «اگر فردی بتواند استدلال قانع کننده ای بیاورد (یعنی استدلال منطقی که با داده های قابل اتکا حمایت شود) و توضیح دهد که چرا یک عرب و یا گروه اسلامی ضدآمریکایی و یا «تروریست» و یا هر کس دیگر، در واکنش به اشغال عراق توسط آمریکا، صدها هزار عراقی را می کشد، مبلغ یک میلیون دلار آمریکا جایزه می گیرد

در خلال جنگ جهانی دوم، تعدادی از کشورها توسط نازی های آلمان اشغال شدند. در کشورهای مثل فرانسه، دانمارک، نروژ و بسیاری از کشورهای دیگر جنبش های مقاومت شکل گرفت، جنبش هایی که تاکتیک های متفاوت را برای متوقف کردن نازی ها و پس گرفتن سرزمینشان به کار گرفته اند. با این حال، هیچ سابقه ای در مورد این که جنگجویان مقاومت برای اخراج نازی ها، به کشتار جمعی هموطنان خود متوسل شده باشند وجود ندارد. مطمئنا درگیری های فرقه ای وجود داشته است، ولی مثل آنچه که در عراق می بینیم، در مقیاس گسترده و کلان وجود نداشته است و البته، اگر وجود هم می داشت، با هیچ منطقی جور در نمی آمد. در جنگ ویتنام هم ما هیچ سندی نداریم که نشان دهد «ویت کنگ ها» کشتار هموطنان خودشان را بخشی از مبارزه علیه نیروهای آمریکایی در دستور کار قرار داده باشند. البته، هستند کسانی که می گویند مسلمانان از نوع دیگری هستند، و این که آنها (مثل بسیاری از انسان های ناخوشایندی که می خواهند زنجیرهای امپراتور را بگسلند) تنها اندکی با وحشیان غیرمتمدن فرق دارند و لذا، ما نمی توانیم امیدوار باشیم که ذهنیت و یا رفتار آنها را درک کنیم.

زمانی که عراقی ها در دهه 1920 با امپراتوری بریتانیا نخستین بار می جنگیدند، هیچ «بمب گذاری انتحاری» توسط شورشیان عراقی صورت نگرفت. آنها، برعکس عمل کردند و براساس یک استراتژی درست، و علی رغم وجود خرده فرهنگ ها و تفاوت های مذهبی، در برابر دشمن مشترک خود یعنی بریتانیا، متحد شدند. همین طور در خلال جنگ 10 ساله افغانستان علیه اتحاد جماهیر شوروی نیز هیچ موردی از بمب گذاری انتحاری که شهروندان افغانی را هدف قرار داده باشد، نمی بینیم. در این کشور هم قبایل افغانی، علی رغم اینکه در نحوه مبارزه با متجاوزان توافق نداشتند، با هم متحد شدند. آیا واقعا هیچ کس، حتی یک فرد بی طرف و میانه رو، اینها را در نمی یابد؟

بعد از واقعه 11 سپتامبر، ناگهان این پدیده عجیب ظاهر می گردد که یک شورشی به جای اینکه مهاجمان را هدف قرار دهد، از بمب گذاری انتحاری علیه هموطنان خود بهره می برد، تا از این طریق، گواه تایید کننده ای را برای این موضوع که هواپیما راپیان «انتحاری» حمله کننده به آمریکا، حقیقتا دیوانه بوده اند، دست و پا کنند، یا اینکه (هدف عوامل پشت پرده این بوده که) اخبار رسمی را در این راستا سمت و سو دهند.

این موضوع بسیاری از ابهامات را در مورد اینکه چرا گروه های عراقی در واکنش به یورش آمریکا به کشورشان، هموطنان خود را می کشند، توضیح می دهد. به هر حال، مردمی که روزانه در عراق صدها کشته می دهند، همان مردمی هستند که از شورشیان حمایت می کنند و نیروهای آمریکایی، انگلیسی و اسرائیلی حاضر در عراق، با همین شورشیان می جنگند. لذا، این سوال پیش می آید که چه کسی از کشتار جمعی روزانه حامیان شورش، بهره می برد؟ تاکتیک های مقابله با شورش در گذشته، روش هایی مثل «پاک سازی نژادی» و یا نابودسازی محصولات مثل آنچه که از طریق عامل نارنجی در مورد ویتنام صورت گرفت، را شامل می شود. اما این روش ها کمتر موفقیت آمیز بودند. به نظر می رسد که در سال های اخیر تفکرات گمراه و منحرفی در مجتمع های صنعتی - نظامی شکل گرفت که بیشتر حالت تاکتیک های دسیسه آمیز مدرن را دارد.

ایجاد تنش میان گروه های مذهبی، به ویژه از طریق بهره گیری حقه امیر از اصلاح «حملات انتحاری» علیه شیعیان و یا سنی ها، به عبارت دیگر، اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن» در اینجا به خوبی اجرا می شود. اقدام واقعا جانپیکارانه شبکه های تلویزیونی کشورهای غربی و بعضی از شبکه های عربی همچون الجزیره و... این است که ایده ذیل را دامن می زنند و تقویت می کنند: عراقی ها و افغانی ها بدون حمایت نیروهای اشغالگر، نمی توانند از کشورشان محافظت کنند و اینکه «مردم این کشورها، وحشی های غیر متمدن هستند.» این تبلیغات باعث می شود که ادعا های دولت آمریکا تقویت شود، آمریکا مصرانه بر این عقیده است که خروج نیروهای این کشور از عراق، خطرناک خواهد بود و ارتش آمریکا بدین خاطر در خیابان های شهرهای عراق حضور دارد که عراقی ها نیز حضورشان را در این کشورها عاقلانه بدانند یا اینکه رسانه های آمریکایی تلاش می کنند. نشان دهند که چطور طبقات پائین مردم (عراق) دارند متمدن می شوند، یا این ادعا که ارتش اگر دست به نابودی چنین مردمی می زند، در واقع، ماموریت الهی را انجام می دهد.

سید محمد موسوی

